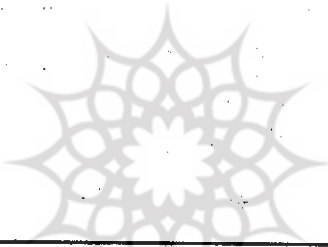


## جمهوری شورایی ایران



Cosroe Chaqueri, **The Soviet Socialist Republic of Iran, 1920-1921: Birth of the trauma**, Pittsburgh and London: University of Pittsburgh Press, 1995. pp. XVII, 649.

جمهوری شوروی سوسیالیستی ایران، ۱۹۲۱-۱۹۲۰: شکل گیری یک ضایعه به قلم خسرو شاکری بدون تردید مفصل ترین و دقیق ترین تحقیقی است که در مورد چگونگی شکل گیری و گسترش نهضت جنگل به رشته تحریر در آمده است. شاکری که سال هایی بسیار از زندگانی خود را صرف شناسایی و معرفی اسناد جنبش های سیاسی چپ در تاریخ ایران کرده است، در این راه به غیر از آرشیوهای ایران و برخی از آرشیوهای شوروی - مانند آرشیووزارت کشور، دفاع و خارجه آن کشور را که در دسترس نبوده اند (ص بیست و شش و ۴۰۷)، آرشیوهای بسیاری کشورهای دیگر را زیر و رو کرده است. علاوه بر این وی برای ارائه تصویری گویا از این رخداد مهم در تاریخ معاصر ایران گذشته از آثار منتشر شده فراوان، بسیاری از آثار و اسناد منتشر نشده و به زبان های گوناگون را نیز مورد بررسی قرار داده است.

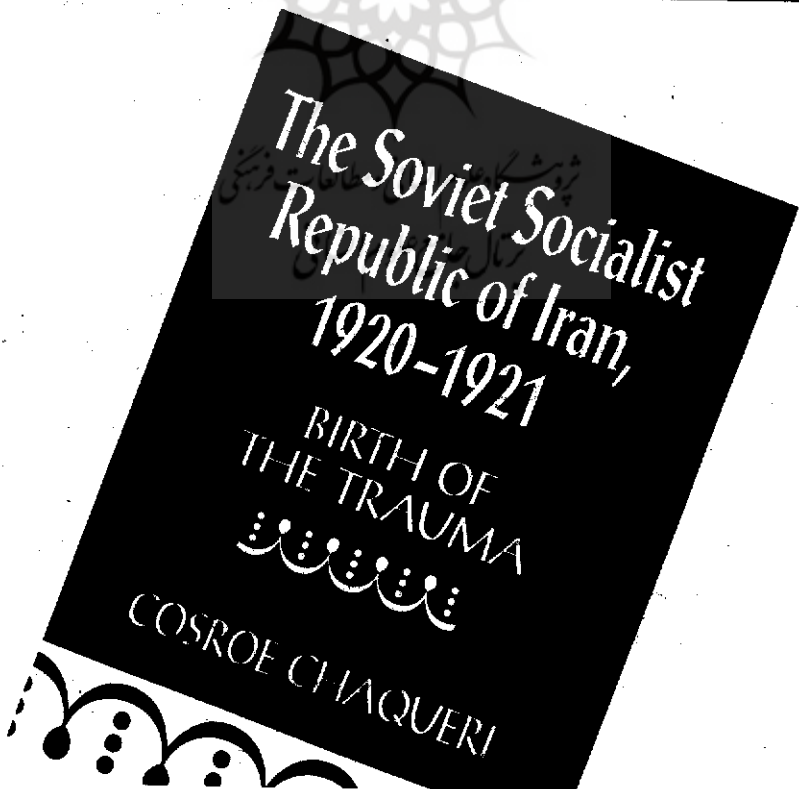
سال های بعد از دوره انقلاب مشروطیت ایران - ۱۹۰۹ - ۱۹۰۶ - را می توان سال های فروپاشی و

اضمحلال سیاسی ایران خواند. با سرریز تحولات جنگ اول جهانی به کشور و مداخلات فزاینده قدرت های خارجی در ایران، هرج و مرجی گسترده سراسر کشور را فراگرفت و انبوهی از تنش های نهفته سیاسی بروز کرد. دولت های متعددی که در این دوره، یکی پس از دیگری زمام قدرت را در دست گرفتند هیچ یک برای حل و فصل مسائل کشور و اعمال اصلاحات ضروری که از دوره مشروطیت معوق مانده بود، از توانایی لازم برخوردار نبودند. با این حال در مناطق شمالی کشور، در ایالات آذربایجان و گیلان و خراسان بودند حرکت ها و شخصیت های سیاسی اصلاح طلبی که باور داشتند در صورت برپا داشتن یک رشته نهضت های دگرگونه خواه محلی، دور نخواهد بود که بتوانند تحولات مرکز و دیگر نقاط کشور را نیز تحت الشعاع قرار دهند. برخلاف پاره ای تعبیرهای نادرست بعدی، این حرکت های محلی نه فقط جدایی طلب نبودند، بلکه تلاش اصلی آن ها بر آن بود که در عین توزیع و حفظ میزان معقولی از قدرت سیاسی در دست مقامات محلی در سراسر کشور، یک نظام سیاسی متمرکز و با ثبات در ایران به وجود آورند.

در پی آغاز جنگ اول جهانی، میرزا کوچک خان، مشروطه خواهی جوان که مدتی را نیز به طلبگی گذرانده بود، مایوس و سرخورده از تحولات سیاسی تهران، بر آن شد که در موطن خود گیلان، حرکتی ضد روسی و ضد انگلیسی برپا دارد. در مراحل نخست جنگ، اگرچه جنگلی ها تا حدودی در گیلان نفوذ داشته و وزنه ای بودند در مقابل حکومت مرکزی، ولی در مجموع در موضعی دفاعی قرار داشتند و برای دگرگون ساختن وضع از توانایی لازم بهره مند نبودند. جنگ های چریکی آن ها بر ضد مقامات محلی و همچنین منافع متفقین، نتایج قابل توجهی به همراه نداشت. کوچک خان نیز مانند بسیاری از فعالان دگرگونه خواه ایران در آن زمان، در مقام کسب یک نیروی متحد سیاسی، راهی را طی کرد که در آن زمان مطمئن ترین راه ممکن تلقی می شد: همراهی با آلمان که به خاطر بُعد جغرافیایی و همچنین عدم سؤیشتنه استعماری در ایران، متحد مطلوبی به نظر می رسید و با عثمانی، شریک تاکتیکی آلمان در این برهه. اگر چه جنگلی ها عوامل آلمان و عثمانی را پناه داده و اقدامات آنان را بر ضد متفقین پوشش دادند، ولی آن کمک نظامی که از آن دو کشور انتظار داشتند، هیچ گاه تحقق نیافت.

در پی انقلاب ۱۹۱۷ روسیه که نقطه پایانی بود بر مداخلات تزارسم در ایران، جنگلی ها که توانی بیش از پیش یافتند، در بررسی مجدد موقعیت منطقه ای و شناسایی متحدین بالقوه خویش، به جانب بلشویک ها متمایل شدند. با این حال اگر پاره ای از تبدلات دوستانه اولیه را نادیده بگیریم، می توان گفت که در این مرحله برای شکل دادن به یک تضاهم یا همکاری اساسی هیچ اقدام جدی به عمل نیامد. تنها در اواخر بهار ۱۹۲۰ و در پی چیرگی بلشویک ها بر باکو بود که آن ها از طریق دریای مازندران، قوایی را به گیلان ارسال داشتند. اگر چه هدف اصلی آن ها از این عملیات آن بود که با تهدید منافع بریتانیا در شرق، انگلیسی ها را به رفع محاصره اقتصادی و ترك خط مشی ستیزه جویانه خود با نظام نوپای شوروی وادار نمایند، ولی با این حال بلشویک هایی نیز بودند - واکثراً در نقاطی دور از

مسکو - که به انقلاب جهانی و برافراشتن درفش سرخ انقلاب بر شرق ستم‌دیده، صمیمانه باور داشتند. دوره یک ساله بین ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۱ که بخش اعظم بررسی شاکری بدان اختصاص یافته است، نه فقط از لحاظ تاریخ روابط ایران و شوروی و نهضت کمونیستی در ایران، بلکه از نظر تاریخ اولیه سیاست خارجی شوروی نیز دوره ای مهم و تعیین کننده است. بلشویک ها با حمایت از کمونیست های محلی، به ائتلاف نه چندان استواری میان آن ها و جنگلی ها شکل دادند ولی با اقدامات تندروانه کمونیست ها، مانند لغو مالکیت خصوصی و دیگر اقدامات ناپهنگام مشابه، طولی نکشید که این ائتلاف ناپایدار از هم گسست. برخوردهای حاصل از رویارویی بعدی آن دو نه فقط کل نهضت را از لحاظ نظامی ضعیف ساخت، بلکه آن را از بخش مهمی از حمایت مردمی ای که در آغاز داشت، محروم کرد. در این میان بلشویک ها نیز در ادامه مذاکراتی که با دولت های ایران و بریتانیا آغاز کرده بودند، با آن ها به توافق هایی دست یافته و چندی بعد نیز سر بریده کوچک خان را به حضور رضاخان سردار سپه آوردند؛ رضاخانی که به نوشته شاکری، در این مرحله هم از حمایت دولت بریتانیا برخوردار بود و هم از پشتیبانی دولت شوروی (ص. ۳۶۸). همان گونه که قبلاً نیز خاطر نشان گردید. بخش اصلی بررسی شاکری به تجزیه و تحلیل دوره یک ساله همکاری جنگلی ها با کمونیست های ایرانی اختصاص دارد و تأسیس «جمهوری شوروی ایران»؛ وی در این بررسی نه فقط از ساختار اجتماعی ایران در آستانه انقلاب مشروطیت تصویری فراگیر به دست می دهد (فصل های ۲ و ۳)، بلکه تحولات سیاسی مناطق شمالی ایران در سال



های پیش از شکل گیری نهضت جنگل را نیز مورد بحث و بررسی قرار می دهد (فصل های ۸-۳). علاوه بر این وی بخش هایی را نیز به بررسی سیاست خارجی شوروی و تلاش هایش برای ایجاد سوسیالیسم در یک کشور اختصاص داده است (فصل های ۷ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷). نویسنده در فصل پایانی کتاب نیز به ارزیابی اسنادی از آرشیوهای کمیته‌ن در شوروی می پردازد که در مراحل پایانی تحقیق به دست وی رسیده است.

برای خسرو شاکری که هم از مخالفان سیاسی رژیم پهلوی بود و هم از منتقدان نظام کنونی است، فاصله گرفتن از موضوع مورد بحث و تحقیق، به ویژه آن که بخشی از رشته مباحث تاریخ سیاسی ایران معاصر نیز در میان باشد، کار بسیار دشواری است. با این حال اگر چه وی شور و شیفتگی خود را نسبت به حرکت هایی چون نهضت جنگل کتمان نکرده و آن را تلاشی می داند برای «اعاده مجدد دولت مشروطه، پیشرفت و رفاه کشور و رهایی آن از قید بیگانه» (ص ۳۷۶) ولی این شور و شیفتگی به هیچ وجه مانع از آن نبوده است که وی کاستی های اساسی این نوع حرکات را از نظر دور داشته و مواضعی غیر انتقادی اتخاذ کند. برای او شکست نهضت جنگل، بخشی از رشته شکست های نهضت ضد امپریالیستی و شورش های ملی تاریخ معاصر ایران است که در نهایت به شکل گیری استبداد پهلوی و تحولات بعدی آن منجر شد. با وجود این، در این بررسی نویسنده در عین ارائه شرحی بر رخداد های این نهضت و تصویری تحلیلی از آن ها، امکانات مختلفی را نیز که در صورت اتخاذ تدابیری سنجیده تر از سوی سران نهضت می توانست پیش آید متذکر می شود.

شاکری در بررسی علل فروپاشی نهضت نه فقط عوامل خارجی دخیل در فراهم آمدن زمینه فروپاشی، بلکه کاستی های درونی نهضت و به ویژه نقاط ضعف رهبری آن را که موجب شکست شد نیز مورد اشاره قرار داده است. به نوشته شاکری، جنگلی ها بیش از آن که از طریق سازماندهی دهقانان در اتحادیه های صنفی و اصلاحات ارضی این «نیروی اصلی نهضت» را وارد میدان کنند، بر واحدهای عشایری تکیه کردند (صص ۸۷-۳۸۶). علاوه بر این، کوچک خان و یارانش چون تصور برداشت دقیقی از «قدرت» نداشتند از «استقلال و آزادی نیز جز تصویری صوری و سطحی چیزی دیگری کسب نکردند». به نوشته شاکری، جنگلی ها «صرفاً مخالف مداخله صریح و آشکار قدرت های بیگانه بودند» و نتوانستند درک کنند که برای تأمین استقلال واقعی ایران، باید ساختار های سیاسی و اجتماعی کشور را به نوعی اصلاح کرد که «دیگر برای عوامل داخلی ای که زمینه ساز مداخله خارجی هستند، عرصه ای باقی نماند» (ص ۳۹۱).

خسرو شاکری در توضیح عوامل خارجی که به سقوط جنگلی ها منجر شد به نقش غدرآمیز بلشویک ها می پردازد. همان گونه که نویسنده توضیح داده است یا لشکر کشی بلشویک ها به انزلی «نهضت جنگل توان دوباره ای یافت» (ص ۳۹۳)؛ ولی طولی نکشید که خط مشی اولیه بلشویک ها مبنی بر حمایت از نهضت و حتی برپاداشتن ائتلافی از کمونیست های ایرانی و جنگلی ها که به نوشته

شاگری چیزی نبود جز «بوسه مرگ» نهضت (ص ۳۷۴)، جای به خط مشی جدیدی سپرد: «انحلال نهضت انقلابی در شمال ایران». چرخش سیاست خارجی بلشویک ها در جهت مذاکره با انگلیسی ها و شناسایی اقتدار دولت مرکزی ایران زمینه ساز این دگرگونی بود. با این حال هنگامی که در فوریه ۱۹۲۱ قرارداد دوستی ایران و شوروی به امضاء رسید و چندی بعد نیز در مارس همان سال قرارداد تجارتي بریتانیا و شوروی، کاملاً آشکار شد که یک نهضت ملی در هم شکسته شد تا امید واهی ایجاد سوسیالیسم در یک کشور به ثمر نشیند». (ص ۳۷۴)

در مجموع روش تحقیق و بررسی نویسنده، به استثنای چند مورد که در باب آن ها پاره ای از دیگر منابع موجود مورد توجه قرار نگرفته اند، روش بسیار جامع و بی طرفانه ای است؛ طیف گسترده ای از داده ها و اطلاعات گوناگون از خلال بررسی اسناد و گزارش های طرفین درگیر فراهم آمده است. یکی از آن جمله موارد استثنایی که می تواند مورد بحث قرار گیرد، مسئله ارتباط جنگلی ها با عوامل آلمانی است در خلال جنگ. شاگری برای نفی شائبه همکاری جنگلی ها با عوامل آلمان در خلال جنگ اول جهانی، می نویسد که نخستین ارتباط جنگلی ها با آلمانی ها فقط در اواخر تابستان ۱۹۱۷ حاصل شد و پیش از آن ارتباطی میان آن ها نبوده است (ص ۱۳۰). حال آن که بنا به روایت میرزا علی خان طالقانی - یکی از اعضای هیئت اعزامی جنگلی ها به تهران - آن ها در نوامبر ۱۹۱۵ از سفارت خانه های آلمان و عثمانی در پایتخت دیدار کرده بودند (بنگرید به محمد علی گیلک، تاریخ انقلاب جنگل به روایت شاهدان عینی، رشت: گیلکان، ۱۳۷۱، صص ۲۹-۲۴).

جمهوری شوروی سوسیالیستی ایران، ۱۹۲۱-۱۹۲۰: شکل گیری یک ضایعه بررسی ای است سرزنده، روان و مبتنی بر تحقیقی گسترده؛ در واقع بخش مهمی از آن بر اسناد و مدارکی استوار است که تا کنون مورد بررسی قرار نگرفته بودند. کتاب برای تمامی علاقه مندان به تاریخ معاصر ایران و به ویژه آن هایی که خواهان درک و شناخت روشن تری از معضلات نهفته در نهضت های سوسیالیستی و آزادی خواهانه ایرانیان در قرن حاضر هستند، حائز اهمیت است.